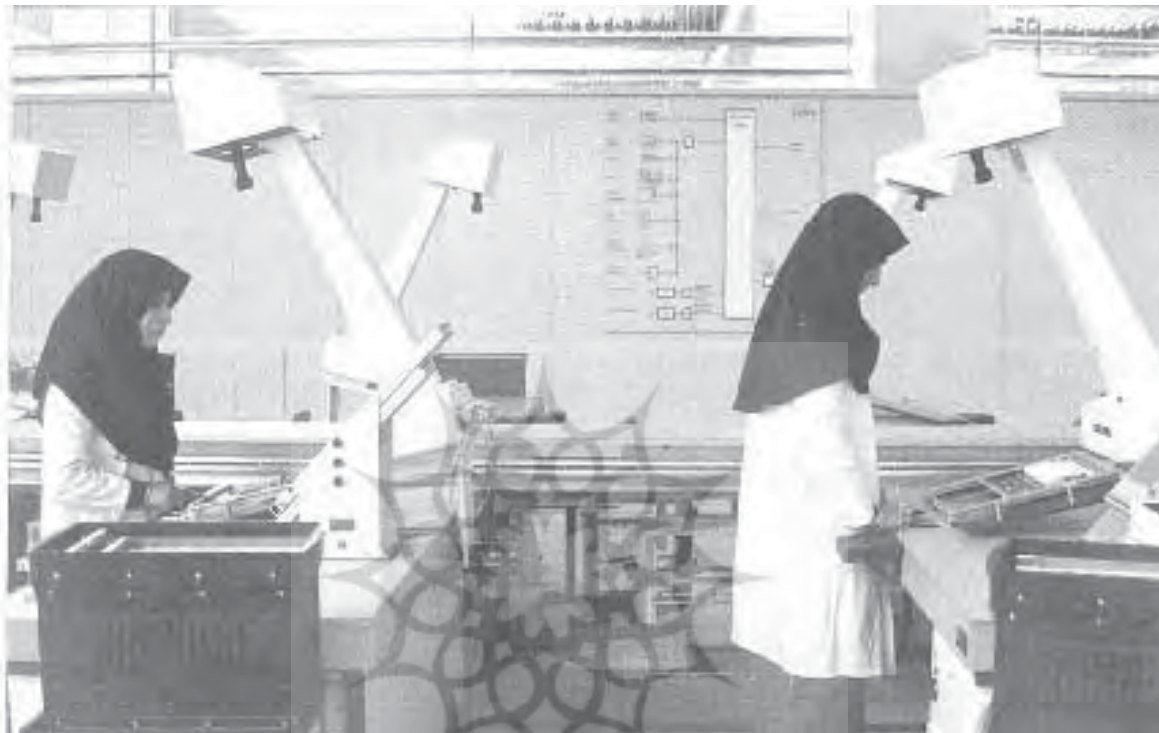


فرصت‌ها و تهدیدهای زنان خاورمیانه در عصر جهانی (بخش دوم)



برای سرمایه‌گذاری در عرصه‌های گوناگون برای کشورهای منطقه ایجاد می‌شود، اما تا دستیابی به آن فرصت، امواج نخستین این جنبش چندگانه موجب بروز مشکلات اقتصادی فزاینده برای مردم این سرزمین می‌شود. در چنین شرایطی مطمئناً نخستین گروهی که مجبورند به دو دلیل عمده از منابع تامین درآمد محروم شوند، زنان هستند. آنان به دلیل آن که اولین گروه اخراجی از موسسات مالی، تولیدی و... هستند، طعم تلخ جهانی شدن را لمس می‌کنند و دوم آن که با بیکاری همسران ناتوانی اقتصادی آنان به روشنی قابل مشاهده می‌شود. چرا که بسیاری از موسسات تولیدی و مالی یارای رقابت با برندها (Brand) «مارک‌های» کیفی تولیدی در خارج از سرزمین‌های خاورمیانه را ندارند و به ناچار مجبور به اعلام ورشکستگی یا

که منجر به گشایش بازارهای اقتصادی کشورها، ورود کالاهای متنوع با قدرت انتخاب بالا، رفع محدودیت‌های گمرکی انتقال سرمایه کشورهای مختلف به یکدیگر و در واقع نوعی همه‌گرایی اقتصادی است. همه‌گرایی اقتصادی آثار متعددی بر نظام اقتصادی کشورهای مختلف به کشورهایی با ساخت ویژه، متمرکز و تک‌محصولی اقتصادی منطقه خاورمیانه دارد. وابستگی مفرط این کشورها به منابع زیرزمینی و عدم توانایی لازم در حوزه اقتصادی با نوع شوک چشمگیر در عرصه اقتصاد روبه رو می‌شوند که در نهایت منجر به کاهش درآمد، محدودیت اشتغال، اخراج نیروهای مازاد و امواج فزاینده بیکاری می‌شود. هر چند که در فرآیند جهانی شدن با شاخص دیگری به نام ورود سرمایه نیز فرصت‌هایی

در شرایطی که وضعیت زنان خاورمیانه به نسبت کشورهای پیشرفته و حتی در مقایسه با کشورهای شرق آسیا از نقطه ضعف‌های خاصی برخوردار است، ارمنان جهانی شدن برای آنان چیست؟

برای پاسخ به این سوال بهتر است بار دیگر جهانی شدن را تحلیل کنیم. جهانی شدن واکنش نظام فکری بشر در دهه اخیر در برابر ناکارآمدی سیستم‌های اقتصادی و سیاسی بود، هر چند که در متون تاریخی بشری رگه‌های دنیای واحد و جهانی اندیشیدن قابل مشاهده است، اما آنچه امروز با آن روبه‌رو شده‌ایم واکنش اقتصادی جامعه سرمایه‌داری و ضرورت بازنگری رفتارهای پیشین است. در بعد اقتصادی جهانی شدن تعبیری است

تعطیلی می‌شوند، در این میان جمعیت فقرا در این کشورها افزایش می‌یابد و مطمئناً افزون بر نیمی از آنان را زنان تشکیل می‌دهند. این فضای اقتصادی ناشی از جهانی شدن دغدغه‌ای است که زن خاورمیانه را مجبور می‌کند با نوعی تردید توأم با نگرانی فرآیند ورود به این حوزه را زیر نظر بگیرد. چرا که فقر زنان آسیب‌های متعددی را بر آنان تحمیل می‌کند که شاید برجسته‌ترین آن‌ها استحکام بیش‌تر پایه‌های نظام مردسالاری و وابستگی بیش از پیش آنان به مردان است.

ضرورت ارتزاق و ارایه زندگی به همراه فرهنگ کهن و دیرین مردسالاری لایه‌های مقاومت را در میان زنان شکننده می‌کند و آنان را وادار می‌کند تا بار دیگر طعم تحکم مردانه را با صدایی بلندتر که ناشی از شکست ورود زنان به عرصه تولید اقتصادی است، لمس کنند. گذشته از آن که در کنار این دغدغه پایین آمدن سطح بهداشت به همراه عدم توانمندی از برخورداری از مواهب آموزش، فرآیند رشد و ارتقای زن خاورمیانه را به چالش می‌کشد، محدودیت منابع مالی مانع آن است که هزینه بهداشت و آموزش و پرورش برای دختران و زنان ارتقا یابد یا حتی در همان سطح پیشین باقی بماند.

فقر اقتصادی زنان در عین حال دغدغه دیگری را نیز با خود همراه خواهد کرد و آن تجارت جنسی یا تجارت زرد است که دلالتان جنسی را به حوزه‌های عمومی و خصوصی هدایت می‌کند تا از فضای بهم ریخته اقتصادی زنان سوء استفاده کنند، اما با وجود آنچه گفته شده جهانی شدن فرصتی است تاریخی برای زنان خاورمیانه تا با استفاده از داده‌های مشترک زنان در سراسر جهان بتوانند گام‌های بلندی را در عرصه اجتماعی - اقتصادی بردارند.

شکستن تابوهای «پدری - خانوادگی» و جست‌وجوی استقلال و خودباوری ره‌آورد ارتباط است، ارتباطی که جهانی شدن با نزدیک ساختن هویت‌ها و کاهش زمان و مکان و فضای ارتباط برای زن خاورمیانه فراهم می‌آورد.

شاید بتوان این فرصت را به انقلاب تاریخی تعبیر کرد که قادر است زنان را با تکیه بر ابزارهای مدرن و دلمشغولی نظام‌های سیاسی برای سامان بخشیدن به اقتصادهای بیمار حقوقی که سال‌ها در پی آن بوده یا با

آن آشنا نبودند را جست‌وجو کنند.

اعتماد به نفس، جست‌وجوی من‌درون، باور آنچه می‌توان و شدن آنچه باید، ره‌آوردی است که جهانی شدن برای زن خاورمیانه به همراه می‌آورد هر چند که در کنار این فرصت توجه به نقاط قوت و ضعف نیز بخشی از این تحلیل محسوب می‌شود، بهره‌گیری مجدد از مهارت‌های ارتباطی مثل ICT و ارتقای این توانمندی در میان مردان نقطه‌ای نگران‌کننده برای زنان در جست‌وجوی فرصت‌های جدید برای جدا شدن از تابوهای ذهنی است.

شکاف دیجیتالی امروز میان دنیای پیشرفته و در حال توسعه که دامنه‌های آن به حوزه جنسی نیز سرایت کرده در فرآیند جهانی شدن مطمئناً عرصه دشواری را برای زنان منطقه ایجاد خواهد کرد.

زنان به دلیل نداشتن شرایط لازم برای بهره‌گیری از ابزارهای نظام ICT ممکن است در فرآیند جهانی شدن، شکاف دیجیتالی جنسیتی را مانعی بزرگ برای تحرک ببینند و ارتباط با دنیای بیرون نتواند برای آنان آثار لازم را به همراه داشته باشد. در این میان نقطه قوت یا اتکا که به نوعی برخاسته از جریان‌های بیرونی جهانی شدن است نیز قابل تامل است و آن ضرورت توجه دولت‌ها به حوزه زنان با عنایت به سندهای بین‌المللی ذکر شده است. دولت‌های منطقه خاورمیانه در راستای فشارهای بیرونی برای ایجاد تغییر در ساختار نظام حقوقی و اقتصادی و اجتماعی وضعیت زنان مجبور به نوعی تغییر رویه شده‌اند که این تغییر با وجود آن که منشا بیرونی دارد، اما به عنوان یک نقطه قوت برای زنان در مواجهه با امواج جهانی شدن محسوب می‌شود. در چنین شرایطی زنان خاورمیانه گام‌های بلندی را با عنایت به این خواست بین‌المللی برداشته‌اند که با تشدید امواج جهانی شدن و ضرورت ایجاد سرعت برای طی دوره گذار از سوی دولت‌ها شاید بتوانند شکاف دیجیتالی را مرتفع و از تجارب سایر زنان در کشورهای گوناگون که بیش از این با این جهانی شدن روبه‌رو شده‌اند بهره ببرند.

یک نکته

زن خاورمیانه با وجود آن که به شدت نسبت به دستاوردهای دنیای جدید علاقه‌مند و

مشتاق است، اما هراس از عدم تطبیق میان آنچه با آن تربیت شده و آنچه بر او عارض می‌شود را جدی می‌بیند. زن خاورمیانه عادت به تبیین زندگی خصوصی بر محور مادری و همسری دارد و در صورتی که در عرصه اجتماعی نیز حاضر شود اگر محدوده خصوصی را بهتر اداره نکند کم‌تر نخواهد کرد، و این فشار سنگینی را بر پیکر او وارد می‌کند که تعدیل آن الزامی برای بخش‌های گوناگون اجتماعی است.

سازمان‌های جامعه مدنی، انجمن‌های خیریه، بخش‌های عمومی و حتی دولت‌ها در یاری رساندن به این زنان موظف به ایفای نقش‌های حمایتی، آموزشی و تربیتی هستند.

همان گونه که زن خاورمیانه در این عرصه نیازمند بازنگری بر رفتارهای پیشین است، مرد خاورمیانه نیز باید «من» باورهای کلیشه‌ای خود را با تصویری تازه از اشتراکات و تفاهم و یاری همراه کند که فرآیند گذار برای جوامع خاورمیانه‌ای با آرامش بیش‌تری همراه شود و گر نه نرخ آسیب‌ها افزایش، طلاق روبه گسترش، کودکان بی‌والدین،... و کودکان تک‌والدین درد مشترک جامعه خواهند شد.

چرا که جهانی شدن با خود نوید زندگی بهتر را برای همه گروه‌های اجتماعی به همراه می‌آورد و لازمه تحقق این نوید فراگیری، آموزش، کسب مهارت برای زندگی در دهکده کوچک است. دهکده‌ای که وسعت آن به ظاهر هزاران کیلومتر و به واقع وسعتی به اندازه زمان اشاره به یک کلید است. در واقع فراگیر بودن اصطلاح جهانی شدن حکایت از آن دارد که جهانی شدن بخشی از فرآیند بازسازی و بازاندیشی در سیاست و نظریه اجتماعی معاصر است. نگاه، به جهانی شدن از منظر ایجابی فرصتی برای بهره‌گیری متناسب از امتیازات آن با اتکا به داده‌های بشری است.

تهیه و گردآوری: زهرا سالاری
Email: z_salari@imakh.ir